

مقالات جدید رادیو آلبان در باب مسأله جنسیت

آیا طلبه‌ها بیش از دیگران صیغه می‌کنند؟

چگونه فعل صیغه را صرف می‌کنیم
تاثیر نام افراد بر سرنوشت اجتماعی و روابط عاطفی آنان
مردانی با چند همسر، از شرق آسیا تا شمال آفریقا

آیا طلبه‌ها بیش از دیگران صیغه می‌کنند؟

ازدواج موقت در احکام شیعه "حلال" و گاه دارای "اجر و ثواب" دانسته می‌شود و شاید به همین دلیل نزد طلبه‌ها و روحانیون نسبت به دیگر گروه‌های اجتماعی محبوبتر است. گاه زنان هم برای "ثواب" به ازدواج موقت با طلبه‌ها تن می‌دهند.



صیغه" یا "متعّه" در فقه اسلامی، نام دیگر "ازدواج موقت" است و راه و رسمی است که بخشی از فقها و روحانیون برای "به گناه" نیفتادن جوانان تجویز می‌کنند.

در ازدواج موقت مدت ازدواج و مهریه از ابتدا باید مشخص باشد، اما آن چه باعث تسهیل فقهی این نوع ازدواج می‌شود، این است که در نظر تعدادی از مراجع شیعه، دختر جهت ازدواج موقت نیازی به "اذن پدر" ندارد.

ازدواج موقت در فقه شیعه "حلال" است. در سال‌های گذشته، حکومت ایران و متولیان فرهنگ رسمی تلاش زیادی برای جا انداختن این مسئله در میان مردم کرده‌اند. از جمله، مصطفی پورمحمدی، وزیر سابق کشور و وزیر کنونی دادگستری، در خرداد ۸۶ گفته

بود: «ما نباید از ترویج ازدواج موقت جوانان در جامعه که حکم خدا می‌باشد، پروا داشته باشیم و این مسئله باید با جسارت در کشور «ترویج شود»

این اظهار نظر با واکنش‌های گسترده مخالفان و موافقان ترویج ازدواج موقت روبه‌رو شد. پیش از این نیز در دهه ۷۰، هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، بحث ترویج ازدواج موقت را پیش کشیده بود که با واکنش مخالفان، مسکوت ماند

با وجود تمام تبلیغات، ازدواج موقت در فرهنگ عمومی مردم ایران همچنان مذموم است

در این میان، گفته می‌شود طلبه‌ها و روحانیون جوان به ویژه در شهرهای مذهبی قم و مشهد، به این مسئله علاقه نشان می‌دهند. طلبه‌ها و روحانیون بنا به تجویز شرع و فرهنگ سنتی ایرانی، عموماً در سنین خیلی کم ازدواج می‌کنند، اما ظاهراً با وجود این، همچنان به ازدواج موقت، چه پیش از ازدواج دائم و چه خارج از رابطه با همسر دائم خود علاقه نشان می‌دهند

در مسئله ازدواج موقت نیز مانند اکثر مسائل مربوط به سکس در ایران، آمار و ارقام دقیقی وجود ندارد و پژوهش خاصی انجام نشده است. به این ترتیب گفته‌ها و شنیده‌ها درباره این موضوع، چندان مستند نیستند و معمولاً حاصل مشاهدات شخصی هستند

حکومت ایران روی این مسائل حساسیت خاصی دارد. به خصوص دادگاه ویژه روحانیت، با مسئله ازدواج موقت و صیغه در میان روحانیون و طلبه‌ها شدیداً برخورد می‌کند. برخوردی که البته مانع گرایش روحانیون و طلبه‌ها به این نوع رابطه نشده است

در سال‌های گذشته شخصی به نام شیخ حسین وافی، تشکیلاتی شامل چند «خانه عفاف» در شهر قم اداره می‌کرد که در آن‌ها خدمات ازدواج موقت به طلبه‌ها ارائه می‌شد. در این خانه‌ها زنانی بودند که (بنا به شرطی که بین فقیهان شیعه «عدم دخول» نامیده می‌شود) می‌توانستند در یک روز در چارچوب ازدواج موقت با چند مرد رابطه داشته باشند



این خانه‌های عفاف با حکم دادگاه ویژه روحانیت قم برچیده شدند و شیخ حسین وافی برای چند سال راهی زندان شد

یک روحانی به دوپچه‌وله می‌گوید: «از آن‌جا که جامعه کشتش این مسئله را ندارد و از مقبولیت اجتماعی برخوردار نیست، و هم این‌که دادگاه ویژه روحانیت با این مسئله برخورد می‌کند، طلبه‌ها از علنی کردن این مسئله شدیداً پرهیز می‌کنند و در مورد آن اطلاعات نمی‌دهند.» او همچنین معتقد است در طول چهارده سال که با طیف‌های مختلفی از طلبه‌ها ارتباط داشته، مسئله ازدواج موقت کم‌رنگ شده است

رواج بیشتر در شهرهای مذهبی

روحانی دیگری که در شیراز تحصیل کرده، می‌گوید در یکی از قدیمی‌ترین حوزه‌های علمیه ایران که در گذشته دور نیز مرکز جهان اسلام بوده است، به نام «حوزه علمیه خان»، به دلیل نحوه مدیریتش در سال‌های گذشته، مسئله صیغه شدیداً رایج بوده است و طلبه‌های آن‌جا به این کار معروف بوده‌اند

این روحانی جوان می‌گوید که "صیغه کردن" در شهرهای قم و مشهد بسیار رایج است و حتی دفتر رسمی برای این کار وجود دارد.
«و طلبه‌ها هم از این کار خیلی خوششان می‌آید و «از همان اوایل دست به صیغه‌شان خوب است

می‌خواهی حلال خدا را حرام کنی؟» به نظر این روحانی «وی می‌گوید وقتی به طلبه‌های این شهرها اعتراض می‌کرد، به او می‌گفتند
«جوان، «قسم» و «طلاق

«هم حلال است، اما مذموم. او می‌گوید: «صیغه حلالی است که فرد تا مجبور نشود نباید دست به آن بزند

او دلیل رواج این مسائل در قم را این می‌داند که روش مدیریت در حوزه‌های این شهر غلط است و طلبه‌ها به قصد نمره و نه به قصد یادگیری درس می‌خوانند و به این دلیل «می‌افتند توی این کارها.» وی می‌گوید طلبه‌هایی که در قم و مشهد برای خدا درس می‌خوانند، نه مقام و پول، در اکثریت نیستند.

«پیدا کردن «زنان صیغه‌ای

گفته می‌شود زنانی که در ایران «زنان صیغه‌ای» خوانده می‌شوند، در شهر قم، در قبرستان شیخان و اطراف آن حضور چشمگیری دارند.

حیاط بزرگ مسجد امام حسن عسگری، صحن و اطراف حرم معصومه، خیابان ارم، گذر خان و اطراف مدرسه گلپایگانی دیگر «جاهایی هستند که می‌توان «زنان صیغه‌ای

را پیدا کرد.

. این زنان در قالب دست‌فروش و «گدا» نیز حضور دارند

همچنین گفته می‌شود بعضی طلبه‌ها شماره تلفن‌های برخی از این زنان را دارند که آن را در اختیار دوستان خود قرار می‌دهند یا گاهی خود واسطه‌آشنایی زنان صیغه‌ای و دوستان‌شان می‌شوند

حتی گفته می‌شود آرایشگاهی در شهر قم به مشتریان مطمئن خود شماره تلفن برخی از این زنان را می‌دهد و خودش طلبه‌ها را با «زنان صیغه‌ای آشنا می‌کند. برخی روحانیون نیز بابت انجام «کار خیر» و «نجات جوانان از گناه

ممکن است زنان صیغه‌ای را به طلبه‌های جوان معرفی کنند.

پاداش و اجر اخروی در فقه شیعه

روایات و احادیث متعددی در خصوص اجر و پاداش اخروی برای «متعّه» در میان شیعیان وجود دارد، اما غالب این روایات نامعتبر به نظر می‌رسند. هرچند که در نهایت برخی فقیهان شیعه به استناد سخنان باقی‌مانده از پیامبر اسلام و امامان شیعه، ازدواج موقت را دارای ثواب می‌دانند

«از جمله در حدیثی از محمد باقر، امام پنجم شیعیان، آمده است که اگر متعه

با نیت الهی

«

انجام شود

(.) "به تعداد موهای بدن از گناهان فرد بخشیده خواهد شد (کتاب "من لا یحضره الفقیه

به این دلیل حتی برخی «زنان صیغه‌ای»، هدف خود از این کار را، «ثواب آن» می‌دانند.

از سوی دیگر، گفته می‌شود همسران طلبه‌ها، به شدت با این موضوع مخالف هستند و گاهی آن را خیانت به خانواده می‌دانند. زنانی که خود طلبه هستند، ازدواج موقت را به شکلی تفسیر می‌کنند که به هیچ وجه با شرایط همسر خودشان سازگار نباشد

گفته می‌شود در قم گاهی پیش آمده که ازدواج موقت طلبه‌ای افشا شده و موجب نفرت همسران دیگر طلبه‌ها از وی شده است

آیا همه این حرف‌ها شایعه است؟

اما گروهی از روحانیون نظر کاملاً متفاوتی در مورد رواج ازدواج موقت در میان این قشر دارند. طلبه جوانی که در زنجان و قم تحصیل کرده، به دویچه‌وله می‌گوید: «شایعه همیشه بزرگتر از واقعیت است. موضوع صیغه برای من هم مسئله بود، پیگیر آن شدم و نتیجه‌ای کاملاً متفاوت از شنیده‌ها گرفتم: افراد متمول و بازاری، بسیار بیشتر از تصویری که نسبت به روحانیون وجود دارد، اهل صیغه هستند.» او معتقد است در میان طلبه‌ها عده بسیار کمی اهل ازدواج موقت هستند، آن هم به قصدی متفاوت از آنچه برای ازدواج موقت تصور می‌شود

یک طلبه دیگر می‌گوید: «راستش فکر نمی‌کنم هیچ طلبه‌ای حاضر باشد از تجربه ازدواج موقت خود بگوید. هم به خاطر مسائل امنیتی و هم حریم خصوصی‌اش. چون طلبه‌ها زود ازدواج می‌کنند و هم اینکه وضعیت جامعه و کنترل حکومت فرق کرده، کمتر سراغ ازدواج موقت می‌روند. اگر هم بروند کمتر بروز می‌دهند.» او اضافه می‌کند که برخلاف تصورات و شایعات، مکان خاصی برای زنان صیغه‌ای در شهر قم سراغ ندارد

در نهایت باید گفت در جامعه پر از شایعه ایران که گردش آزاد اطلاعات در آن وجود ندارد و حاکمیت اجازه تحقیق و پژوهش در خصوص چنین مواردی را نمی‌دهد، هیچ کدام از این مشاهدات، نشان‌دهنده تمام واقعیت نیستند، در عین این‌که هر کدام بخش‌هایی از واقعیت را روشن می‌کنند

چگونه فعل صیغه را صرف می‌کنیم

ازدواج موقت از نظر عرفی و فرهنگی امری مذموم به‌شمار می‌رود. این "کلاه شرعی" اما نزد برخی جوانان سکولار و در جامعه‌ای با استانداردهای دوگانه اخلاقی، گاه نقش یک سپر دفاعی در قبال نظارت‌های حکومتی را هم ایفا می‌کند



بسیاری تا اسم صیغه می‌آید، یاد شهرها و اماکن زیارتی چون مشهد، قم، شاه‌عبدالعظیم یا گورستان‌ها می‌افتند. کلیشه ذهنی رایج، عاقله مردی پولدار و هوسران است که از لعبتی فقیر کام می‌گیرد و نانی و پولی در دستش می‌گذارد.

ازدواج دایم و ازدواج موقت قراردادهایی شرعی در تنظیم مناسبات زن و مرد هستند، اما صیغه در فرهنگ و عرف عمومی نوعی خودفروشی به حساب می‌آید و کراهت دارد. هرچند مبنای ازدواج دایم نیز مناسبات جنسی شرعی و تولید مثل است، اما "متعّه" عموماً به دلیل کانونی بودن مسئله "سکس" مذمت می‌شود.

صیغه را یک کلاه شرعی نیز برای پوشش روابط آزاد می‌خوانند. آیا این کلاه می‌تواند در جامعه‌ای با استانداردهای دوگانه اخلاقی، نقش یک حافظ را ایفا کند و سپری دفاعی در برابر نظارت‌های حکومتی و فشارهای فرهنگی باشد؟

آیا می‌توان مدعی شد که قشرها و گروه‌هایی در جامعه، از این منافذ شرعی یا عرفی استفاده بهینه می‌کنند تا حاشیه امنی در زندگی خصوصی و خلوت خود داشته باشند؟

آیا این امر مذموم می‌تواند از نظر کاربردی وارونه شود و تصویر صید و صیاد، خریدار و فروشنده، مناسبات نابرابر و جلوه سنتی و مذهبی آن را مخدوش کند؟

پای صحبت سه زن و یک مرد جوان می‌نشینیم که سکولار، جوان و تحصیلکرده هستند. هیچیک از آنها پیوندی با اتوریته مذهب ندارند و ورود چنین قیدی به زوایای زندگی عاشقانه و جنسی خود را رد می‌کنند اما هر چهار نفر تجربه صیغه کردن و صیغه شدن را دارند. چرا؟



صیغه اول شخص مفرد

- من و یارم همخانه شده بودیم و صاحبخانه از ما مدرک ازدواج می‌خواست. ما هم ۲۰۰ هزار تومان دادیم و یکی ما را توی ماشین صیغه کرد و مشکل صاحبخانه حل شد! چندی بعد دستگیر شدیم و تازه صیغه‌نامه توی زندان اوین برای من خیلی فایده داشت. فکر می‌کردند که متاهلم و بازجوها به من احترام می‌گذاشتند. علتش هم این بود که وقتی همه خانه را گشتند، صیغه‌نامه هم بود و خیال‌شان راحت شد که ما با هم رابطه مشروع داریم

جوان‌ها در خفقان جامعه ایران برای داشتن روابط جنسی و عاشقانه امن مجبور می‌شوند صیغه کنند. اکثر جوان‌های هنرمند و آزاد از این حربه استفاده می‌کنند تا راحت باشند. بحث سوءاستفاده و این چیزها مطرح نیست. این فقط یک فرم است برای زندگی در جامعه‌ای که این را می‌پذیرد و کاری به کارت ندارد.

●
خیلی از دوستان من برای این‌که بروند سفر و در یک هتل بتوانند جا بگیرند، صیغه کرده‌اند. به این ترتیب، برای مسافرت و با هم بودن و لذت بردن از زندگی، از شر نیروی انتظامی و بسیج راحت بودند

●
می‌خواستم به عنوان یک دختر جوان، آزادانه روابط جنسی داشته باشم، ولی فرهنگ مردسالار این اجازه را به من نمی‌داد. حتی با یک خانواده غیرمذهبی و سکولار، برای این آزادی محدودیت‌های جدی داشتم. گاهی فکر می‌کنم حتی دوستان مذهبی من فضاهای بازتری برای تجربه جنسی داشتند تا ما که همیشه تحت کنترل نهاد خانواده بودیم و خانواده هسته‌ای مدرن مثل شیر بالای سرمان ایستاده بود و تادیب‌مان می‌کرد. باز دوستان مذهبی ما می‌توانستند جیم شوند و بروند هینتی، دسته‌ای، مسجدی، روضه‌ای و جاهایی که بتوانند نیمچه روابط جنسی داشته باشند. برای آنها این روابط، چه با همجنس و چه با دگرجنس؛ فراهم‌تر بود

●
من دو بار از روی ناچاری صیغه شدم. یک بار زمانی که در شانزده سالگی نامزد شده بودم و خانواده‌ها می‌خواستند همه چیز موجه باشد. در نتیجه یک صیغه محرمیت خواندند که رفت و آمد آزاد باشد و کسی چیزی نگوید. من آن موقع اصلاً نفهمیدم کی و کجا صیغه شدم! فقط پدرم اعلام کرد که خوانده شده؛ راحت باشید! بعد از ازدواج و طلاق هم با دوست پسر من می‌خواستم بروم سفر و چون نمی‌شد بدون مدرک شرعی هتل بگیریم، مجبور شدیم برویم صیغه‌نامه بگیریم. ما خنده‌مان گرفته بود و محضردار هم خودش می‌خندید و می‌گفت از این موارد زیاد داریم

●
من چند مرتبه دوست دخترهایم را صیغه کردم! اکثر آدم‌های نظیر من از قشر متوسط و شهری از روی اجبار صیغه می‌کنند تا مبادا گیر منکرات بیفتند. اما یک تناقضی هم در ماجرا هست. پلیس یا مدیر هتل به شما گیر نمی‌دهد اما به خانم همراهت غیرمستقیم به ...چشم یک هرزه نگاه می‌کند. یعنی اگر صیغه نکنی مشکل پیدا می‌کند، اگر بکنی قضاوت می‌شوی

صیغه سوم شخص جمع

هر چهار نفر می‌گویند که ماجرای صیغه کردن و صیغه شدن را از خانواده خود پنهان کرده‌اند. خانواده‌ها با رابطه آزاد مخالفتی نداشته‌اند اما صیغه را نوعی سرشکستگی فرهنگی تلقی می‌کرده‌اند. پرسش‌شوندگان این را هم اضافه می‌کنند که مردم و جامعه برخورداردی دوگانه با صیغه دارند؛ پس می‌زنند و پیش می‌کشند

●
خانواده من فکر می‌کرد که من با دوست پسر من زندگی می‌کنم، اما ماجرای صیغه شدن را پس از زندانی شدن ما فهمیدند و شوکه شدند. اما این صیغه‌نامه خیلی به درد ما خورد: هم در مورد صاحبخانه، هم در مورد زندان، هم برای دوران انتظار در ترکیه و هم توی اروپا برای اثبات پارتنر بودن‌مان. یعنی با اینکه صیغه یکساله بود، چند سال برای ما کارکرد داشت. یک چیز جالب این که عاقد ما با این که توی ماشین صیغه ما را خواند و ۲۰۰ هزار تومان گرفت که برای هفت سال پیش خیلی زیاد بود، آخرش به من گفت. حتما هرچه زودتر عقد دائمی کنم

صیغه در جامعه ایران برای بستن دهان آدم‌هاست. چه خانواده، چه پلیس، چه صاحبخانه و غیره. از طرف دیگر، پسرها اگر بفهمند که دوست دخترشان قبلاً دوست پسرهای زیادی داشته، مشکلی ندارند اما اگر بدانند او صیغه کسی بوده ناراحت می‌شوند. اگر پنجاه مرتبه با پنجاه تا پسر خوابیده باشی ایراد ندارد اما اگر پنج بار صیغه شده باشی، رسوایی است. خانواده من اصلاً مخالفتی نداشت که با دوست پسر سفر بروم اما دوست نداشت که صیغه او باشم چون می‌ترسیدند که مردم حرف در بیاورند.

●

مشکلی که سکولار و مذهبی با ذات صیغه دارند این است که دو نفر آدم به قصد تمتع جنسی با هم رابطه جنسی دارند. این بر خلاف ساختار مقدس خانواده هسته‌ای مدرن است. در خانواده هسته‌ای مدرن شما یک زن و یک مرد و چند بچه هستید و قرار است در خانه‌ای مستقل تا آخر عمر با هم سر کنید. این ساختار مقدس نمی‌پذیرد که افراد آزادانه روابط جنسی داشته باشند و خانواده مقدس هم نباشند و قصد تشکیل خانواده مقدس هم نداشته باشند. دلیل کراهت صیغه، وجه جنسی و ذات لذتجویانه آن است. زن اگر موجود جنسی باشد، دنبال لذت جنسی باشد و با عاملیت خودش به دنبال رابطه جنسی باشد و برود صیغه شود، تمام این معادله مردسالارانه و زن‌ستیزانه به هم می‌خورد.

●

در مقطع سنی هجده نوزده سالگی، ذهنیت‌ام در مورد زنی که صیغه می‌شود این بود که خراب و هرزه است و دارد به اسم صیغه توجیه می‌کند. وقتی خودم به عنوان یک مرد جوان این طور بودم، نمی‌توانم انتظار داشته باشم که اکثر جامعه تصور مثبتی نسبت به موضوع داشته باشد. الان افکار عمومی و طبقه متوسط شهری، رابطه دوست پسر و دختر را راحت‌تر قبول می‌کند تا صیغه را. در شهرستان‌ها و شهرهای مذهبی و نزد کسانی که درگیری روشنفکری و فرهنگی با موضوع ندارند، این موضوع راحت‌تر پذیرفته شده است.

صیغه اول شخص جمع

صیغه را یک راهکار شرعی برای دور زدن محدودیت‌ها می‌خوانند اما یک فرد سکولار چطور می‌تواند با این ابزار کنار بیاید و فرهنگی را بازتولید کند که سنخیتی با آن ندارد؟

●

اگر فرهنگ عمومی مذهبی مملکت ایران و جمهوری اسلامی ایران در کار نبود، آدم صیغه را می‌خواست چه کار؟ فرد سکولار و حتی فردی که مثلاً به شکلی پیشرو مومن است و مذهبی نیست، نیازی ندارد برود به کل ساختار سیاسی، مذهبی، اجتماعی اعلام کند که با کسی دارد به قصد تمتع جماع می‌کند. خودمانی بگوییم قصد اگر تمتع یا همان طلب لذت باشد (که خود این کلمه متعه یا صیغه از تمتع می‌آید)، آدم می‌رود حالش را می‌برد و به کسی هم لازم نیست اعلام کند.

●

صیغه در برخی روابط به نفع مردهاست، چون زن در رابطه به ماجرا کارکردی نگاه نمی‌کند. ولی اگر هر دو طرف به صیغه به عنوان ابزاری نگاه کنند که رابطه را راحت‌تر کند، به ضرر هیچ کدام نیست و خیلی هم خوب است. هیچ دلیلی وجود ندارد که برای مرزبندی با یک قاعده پوسیده و ایدئولوژیک، خودمان را دو دستی به کام پلیس و نیروی انتظامی و کمیته بیندازیم.

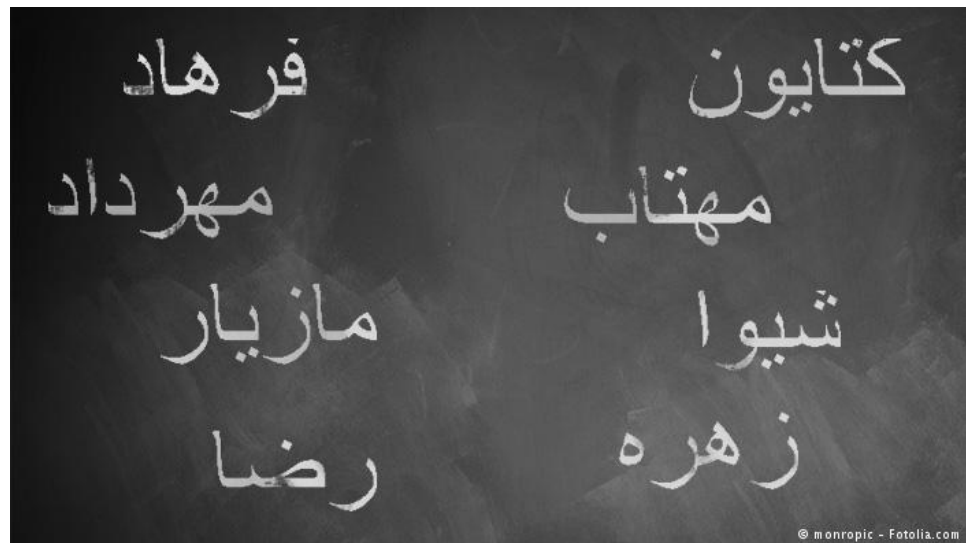
●

با صیغه یا متعه کنار آمدن مثل این می‌ماند که با ازدواج رسمی و محضری و نهاد مقدس خانواده در چارچوب مذهبی آن کنار بیایید. من هرگز با هیچکدام از این نهادها کنار نیامدم چون این نهادها در ذات خود می‌توانند بسیار زن‌ستیز و پدرسالارانه عمل کنند. من با صیغه از دریچه یک نگاه پراگماتیست کنار آمدم که این یک راه حلی است برای زندگی کمی بی‌دردتر در چارچوب قوانین حکومتی اسلامی و شیعه. یعنی گفتم حالا که سرنوشت‌مان این است، لااقل برای داشتن روابط جنسی آزادانه‌تر، دنبال راه‌های رهایی‌بخش وسط همین قوانین اسلام شیعه بگردیم.

●
شاید بتوان گفت در جامعه فرهنگی و عرفی ایران، ملت همه تناقض‌ها را در یک لیوان می‌ریزند و هر کدام نوشابه‌ای به سلیقه و ذائقه فردی از آن می‌سازند. این هم یک نوع هوشمندی است که هزینه‌های زندگی آزاد در جوار یک حاکمیت غیرآزاد را از جیب ایدئولوژی‌های همان حکومت پرداخت کنیم.

تاثیر نام افراد بر سرنوشت اجتماعی و روابط عاطفی آنان

آیا از نام خود راضی هستید؟ دوست دارید شنیدن نامتان چه حسی را در دیگری برانگیزد؟ شنیدن چه نام‌هایی برایتان لذت‌بخش است؟ نام‌ها بازتاب‌دهنده فرهنگ‌های گوناگون‌اند که از تبعیض و تحقیر تا عشق و زیبایی را در خود جای داده‌اند.



تصور این که موجودی نام نداشته باشد بسیار دشوار است. مبادله "نام" میان آدمیان گام نخست برای ایجاد یک رابطه انسانی یا گسترش هر گونه پیوند اجتماعی است. کما اینکه چه در آغاز پیوند عاشقانه و چه برای داوطلب شدن برای انجام کاری باید "نام"ی را بر کسی یا کاری گره زد و "نامزد" شد.

نام عنصری است که فراگیر شدنش موجب شهرت است و بیش از حد محدود شدنش باعث گمنامی. قضاوت نیک مردمان درباره آن را "خوش‌نامی"

"و نقطه مقابلش را

بدنامی"

. می‌خوانند

اگر چه سعدی پیوند عشق و نیک‌نامی را جور دیگر می‌بیند
دگر بخفته نمی‌بایدم شراب و سماع
که نیک‌نامی در دین عاشقان ننگست

نه فقط انسانها بلکه هر موجودی بدون داشتن یک نام معین، در یافتن یک هویت مستقل ناکام می‌ماند؛ هویتی که باعث شناخت

می‌شود. نام هر فردی به مرور زمان و در پیوند با دیگر افراد جامعه، علاوه بر تداعی یک هویت ظاهری، حامل یک هویت عمیق غیرظاهری برای مخاطبان است که در پی تداوم روابط، به مرور شکل کامل‌تری به خود می‌گیرد.

بنابر این هر "نام" به مرور زمان مجموعه‌ای از خاطرات و تاثیرات را در ذهن و ضمیر دیگران به جا می‌گذارد که خاستگاه اصلی بسیاری از قضاوت‌ها یا تمایلات متقابل افراد به یکدیگر تلقی می‌شود؛ عشق و صمیمیت، خشم و نفرت یا هر نوع واکنش رفتاری دیگر.

این نوع تصورات و بازتاب‌های آن که با شنیدن نام دیگران در ضمیر افراد تداعی می‌شود، علاوه بر آنکه عنصر اصلی تمایز افراد از یکدیگر است، تا جایی ادامه می‌یابد که نقش کارکردی آن در روابط اجتماعی به مرور از شکل ظاهری فرد هم فراتر رفته و تاثیرات پایدارتری به جا می‌گذارد. تصوراتی که کلیدواژه ورود به آن "نام" افراد است.

نام، ابزاری فراتر از شناخت ظاهری

دکتر ناصر فکوهی، انسان‌شناس، در مقاله "نام‌ها و فرهنگ" می‌نویسد: «نام‌ها یکی از پراهمیت‌ترین ابزارهایی هستند که ما برای تحلیل فرهنگ‌ها در دست داریم. فاصله میان مفهوم ایدئولوژیک، هژمونیک و تعریف عمومی یک نام در یک نظام اجتماعی، همگی از مواردی هستند که باید به آنها توجه کرد. هر چند نام‌ها (بنا بر نظریه‌هایی که بیشترین اجماع درباره آنها وجود دارد) صرفاً ابزارهای قراردادی در زبان‌ها هستند تا بتوان دستگاه نمادساز زبان را کارا کرد، اما در عمل به دلیل درونی شدن در نظام ذهنی، بسیار فراتر از این قرارداد رفته‌اند».

هر نامی علاوه بر داشتن معنای معین یک کلمه، بار معنایی خاصی را در ارتباط با یک شخص بخصوص با خود حمل می‌کند. یعنی نام علاوه بر اطلاق به یک فرد، در طول زمان معرف شخصیت همان فرد هم تلقی می‌شود که واکنش‌های متفاوتی را در ذهن طرف مقابل ایجاد می‌کند. از این رو می‌توان "اسامی" را کلماتی فرض کرد که مجموعه‌ای از خاطرات و تصورات را با خود جابجا می‌کنند.

به گفته حافظ:

نام من رفته‌ست روزی بر لب جانان به سهو
اهل دل را بوی جان می‌آید از نام هنوز

اسامی دخترانه، تابوها و تبعیض‌ها

نوع کاربرد اسامی در یک جامعه تا حدودی معرف شخصیت فرهنگ عمومی همان جامعه است، یعنی آینه تمایلات فکری و مناسبات اجتماعی دستکم بخشی از لایه‌های اجتماعی محسوب می‌شود.

آقا محسن! من بیرون کنار ماشین منتظرم، زود بیا... " این جمله توام با فریاد مردی است که با همسر و فرزند دو ساله‌اش به یک جشن عروسی دعوت شده‌اند. او می‌خواهد به همسرش که در "قسمت زنانه تالار پذیرایی" مشغول شادی است یادآوری کند که وقت رفتن است و او در خیابان منتظرش است! وقتی با تعجب از او می‌پرسم چرا به همسرش می‌گوید "آقا محسن" پاسخ می‌دهد: "محسن! اسم پسر منه، عیال هم می‌دونه که منظورم چیه

چرا برخی از مردان در فضاهای عمومی حاضر به بردن نام همسران‌شان نیستند و از آنها با عناوینی مانند عیال، خانواده، منزل یا هر لقب غیرمستقل دیگری یاد می‌کنند؟ بسیاری از کارشناسان علت این رفتار را، مالکانه و

""ناموسی

دانستن تمام هویت زنانه همسر (دختر یا مادر و خواهران) از سوی برخی مردان سنتی - مذهبی می‌دانند. در فرهنگ‌های لغت، "ناموس" از مفاهیم و ارزش‌های مردسالارانه در نظام اخلاقی کشورهای اسلامی از جمله ایران به شمار می‌رود که در ردیف کلماتی مانند شرف و عصمت و آبرو قرار می‌گیرد.

باور داشتن به "ناموس" در بین برخی گروه‌های اجتماعی، مردان را و می‌دارد که مسئله حریم خانوادگی خود را تا آنجا تعمیم دهند که نام بردن از همسرشان در فضای عمومی را نوعی شکستن حریم خانوادگی تلقی کنند. رفتاری که همزمان محدودیت‌های فراوان دیگری بر زنان تحمیل می‌کند و گاهی تخطی یک مرد از این راه و رسم، می‌تواند سرزنش سایر مردان همان طبقه اجتماعی را در پی داشته باشد.

البته تبعیض‌های جنسیتی محدود به "ناموسی" دیدن حقوق زنان نیست، زیرا گرچه با توسعه نسبی شرایط اجتماعی از شدت ناگوار بودن "دختردار" شدن به جای آوردن "پسر کاکل زری" که بتواند نام نیاکان خود را زنده نگه دارد کاسته شده، اما همچنان در برخی از مناطق جهان، از جمله ایران، ترجیح بعضی والدین به داشتن فرزند پسر را نمی‌توان نادیده گرفت. تا آنجا که همچنان شاهد نام‌گذاری‌هایی مانند

کفایت"" "بسی"، "دختر بس" یا معادل آن مثل "قزیس" و "گل بس" و

. برای دخترانی هستیم که خانواده از تولد آنها ناخرسند است

چنین رویکرد تبعیض‌آمیزی البته در شماری از کشورهای خاورمیانه، آفریقا و شرق آسیا نیز به شکل‌های نسبتاً مشابهی دیده می‌شود. "مثلاً گزارش‌های موسسه

اکشن اید"

نشان می‌دهد که سالانه به شمار آزمایش‌های سونوگرافی برای تعیین جنسیت جنین و سقط کردن دختران در هند افزوده می‌شود. طبق "آمار مجله پزشکی

لانسِت

چاپ لندن در دو دهه گذشته بیش از ۲۰ میلیون زن هندی جنین خود را صرفاً به دلیل دختر بودن سقط کرده‌اند یا بعد از تولد نوزاد به دلیل عدم توجه عمدی به مسائل بهداشتی یا غذایی موجبات مرگ آنها را فراهم ساخته‌اند

در همین حال دخترانی که از این مرحله به سلامت می‌گذرند با مشکلات متعدد دیگری دست و پنجه نرم می‌کنند که از آن جمله اسامی تحقیرآمیزی است که روی برخی از آنها گذاشته می‌شود. این نوع اسامی نه تنها امکان معاشرت‌های عشقی و عاطفی را از این دختران می‌گیرد بلکه در تمام طول زندگی شرایط ناگواری برای آنان فراهم می‌کند.



جزئی از تابلوی "آفرینش" اثر میکل آنژ

چندی پیش در منطقه ساتارا در شهر ماهاراشترا در هند ۲۸۵ دختر جوان اجازه یافتند اسامی مورد علاقه خود را برگزینند و "شناسنامه‌های جدیدی دریافت کنند. این دختران همه "ناکوزا" یا "ناکوشی" نامیده می‌شدند که به زبان هندی

ناخواسته" معنی می‌دهد. در این جشن "رهایی از نام‌های تحقیرآمیز" تعدادی از این دختران اسامی هنرپیشه‌های معروف "بالی‌وود" را برای خود برگزیدند و برخی دیگر اسامی سنتی و زیبای هندی مانند "ایشالی" که مترادف زیبا، خوب یا متمول است را انتخاب کردند. طی سالهای اخیر جنبش دختران هندی برای رهایی از اسامی تحقیرآمیز و تحمیلی که تأثیر مستقیمی بر موقعیت اجتماعی آنان می‌گذارد، رشد یافته است.

تأثیر نام بر روابط عاطفی و عاشقانه

همانگونه که پیشتر اشاره شد "نام" هر فرد کلیدواژه‌ای است که علاوه بر اشاره به یک فرد خاص، هویت و شخصیت فرد را نشان می‌دهد و ناخواسته ما را به آرشبوی از اطلاعات انباشته شده و تحلیل و قضاوت‌های ما درباره آن شخص هدایت می‌کند. در حقیقت تمامی تصورات ما از یک فرد آشنا بلافاصله پس از شنیدن نام او در ضمیرمان تجلی می‌یابد بی‌آنکه نیازی به دیدن او داشته باشیم.

همچنین به دلیل تأثیر مستقیم حس‌ها و تصورات انسان بر فعل و انفعالات شیمیایی بدن و نیز واکنش‌های ارادی و غیرارادی رفتاری، "نام" جایگاه مهمی را در چگونگی مبدل ساختن این تصورات به انواع واکنش‌های رفتاری به خود اختصاص می‌دهد. هرگاه نامی را می‌شنویم اما نسبت به صاحب آن شناختی نداریم، ذهن به طور خودکار مناسبترین واکنش را پیدا می‌کند؛ واکنشی که سوابق ذهنی و کاراکتر فرد شنونده در شکل‌گیری آن نقش به‌سزایی دارد.

تحقیقات پژوهشگران دانشگاه نورث وسترن نشان می‌دهد که انتخاب اسم بسیار مهم‌تر از آن چیزی است که تاکنون تصور می‌شد و "شاید به همین دلیل است که

کتاب‌های اسم"

نزد مردم از محبوبیت بالایی برخوردارند. به گفته این محققان،

داشتن یک اسم زیبا و خوش‌آهنگ نه تنها احساس اطمینان فرد به خودش را افزایش می‌دهد بلکه موجب می‌شود دیگران به طور مثبت‌تری به فرد نگاه کنند.

سرپرست این تیم پژوهشی می‌گوید: «این که افراد چه کار می‌کنند و به چه فکر می‌کنند اهمیت چندانی ندارد. در واقع مغز انسان به محض شنیدن اسمی که تلفظ می‌شود پالسهایی را ارسال و دریافت کرده و با توجه به اسم فرد درباره وی قضاوت می‌کند. زیرا نامی که ما را با آن صدا می‌زنند یک نماد و یک آینه است. در واقع اسم همچون یک کارت ویزیت عمل می‌کند که معرف و بیانگر شخصیت درونی ما است. آوا و معنایی که یک اسم دارد می‌تواند به طور مستقیم روی رفتار و قضاوت دیگران نسبت به ما اثر بگذارد. آهنگ و معنای اسم فرد حتی روی تولید هورمون‌های اکسیتوسین، دوپامین و اندورفین نیز اثر می‌گذارد»

جالب توجه این که هورمون‌های مورد اشاره در این پژوهش علمی رابطه مستقیمی با فعالیت‌های جسمی و جنسی دارند. "اکسیتوسین" که از آن به عنوان "هورمون عشق" هم نام می‌برند، توسط غده هیپوفیز ترشح می‌شود و به طور کلی در رشد رفتارهای اجتماعی و واکنش‌های فردی و کنترل اضطراب نقش کلیدی دارد. تقویت اعتماد به نفس، جلب اطمینان، فداکاری، خطرپذیری، مهربانی و تقویت روابط عاطفی و عاشقانه و تمایلات جنسی از جمله مزیت‌های ترشح این هورمون است.

جالب آن که شنیدن نام یا صدای فرد مورد علاقه، یادآوری خاطرات شیرین و حتی یک نگاه مهربان از راههای ترشح این هورمون در بدن هستند.

دوپامین" هم نوعی پیام‌رسان عصبی است که ارتباط آن با اجتماعی بودن بسیار شناخته شده است."

بنا بر نتایج یک مطالعه جدید ارتباط مستقیمی بین اعتماد به نفس و موقعیت اجتماعی افراد و میزان چسبندگی گیرنده‌های دوپامین وجود دارد.

آندروفین" یا مسکن طبیعی بدن نیز ماده‌ای است که با کاهش اضطراب درد را تسکین می‌دهد و آرامش‌بخش است. این ماده هنگام "فعالیت بدنی، هیجان، احساس عشق و هنگام رسیدن به اوج لذت جنسی تولید می‌شود

آگاهی و مقاومت در برابر تبعیض‌های جنسی

بسیاری از مردم در جوامع مختلف به مرور زمان به اهمیت کارکرد و نقش نام در ایجاد پیوندهای اجتماعی پی برده و تأثیرات کاربردی آن را در روابط خصوصی و عمومی خود تجربه کرده‌اند. به همین دلیل اغلب افراد علاقه دارند نام آنها تداومی‌کننده بهترین واکنش‌ها در ذهن مخاطبان باشد. در نظر داشتن جوانب گوناگون برای تغییر نام خود یا استفاده از اسامی مستعار یا صرف وقت فراوان برای برگزیدن نام فرزندان این نکته را اثبات می‌کند.

از سوی دیگر در بعضی جوامع سنتی، آگاهی از جذابیت "نام" باعث می‌شود نوعی مقاومت منفی به خصوص در نام‌گذاری دختران صورت پذیرد. به عبارت دیگر شرایط اجتماعی به ویژه هنگامی که رگه‌های تعصب و تبعیض‌های جنسیتی آشکاری در آن دیده می‌شود خانواده‌ها را وادار می‌کند که در نام‌گذاری فرزندان خود حساسیت خاصی داشته باشند و به تبعات این نام‌ها اهمیت بدهند.

در جوامع مردسالار که زنان باید محدودیت‌های فرهنگی، مذهبی و قومی را تحمل کنند، تحمیل نام‌هایی که کمترین زیبایی ممکن را به مخاطب منتقل کنند در کنار محدودیت‌هایی مثل منع شدن از هر گونه مرادف دوستانه با مردان، استفاده جبری از حجاب و حتی در برخی مناطق ختنه کردن دختران برای سرکوب نیازهای جنسی و عاطفی، پازل تبعیض جنسیتی علیه آنها را تکمیل می‌کند. البته توسعه آگاهی عمومی و گسترش تلاش سازمان‌یافته برای برابر ساختن حقوق زنان و مردان چشم‌انداز روشن‌تری را در برابر دیدگان ما قرار می‌دهد.

مردانی با چند همسر، از شرق آسیا تا شمال آفریقا

چندهمسری و صیغه موضوع‌هایی هستند که در مورد آن‌ها میان مذاهب مختلف اسلام توافق وجود ندارد. با این حال رواج این دو پدیده در سال‌های اخیر در کشورهای اسلامی، موجب ابراز نگرانی مقام‌های دولتی برخی کشورهای عربی شده است.



چندهمسری در دین اسلام برای مردان مجاز دانسته شده و این آزادی را به آن‌ها می‌دهد که تا ۴ همسر دائم و بی‌شمار همسر صیغه‌ای داشته باشند. اما میان مذهب‌های مختلف اسلام در این باره اختلاف نظر وجود دارد. پیروان مذاهب اباضیه، زیدیه و اهل سنت معتقدند که پیامبر اسلام ازدواج موقت یا صیغه را حرام اعلام کرده است. با این حال شیخ یوسف قرضاوی، از علمای اهل سنت، در "مصاحبه‌ای با شبکه "الجزیره" توضیح داد که "ازدواج موقت طبق روایت‌های اهل سنت صحیح است و حرمتی در آن نیست

دامنه اختلاف بین مذهب‌های مختلف در مورد ازدواج موقت تا اندازه‌ای زیاد است که برخی از فتواها و روایت‌ها در این زمینه در تضاد با یکدیگر قرار دارند. به عنوان مثال در حالی که اهل سنت معتقد به حرمت این ازدواج هستند، در کتاب "من لا یحضره الفقیه" که از کتاب‌های مرجع شیعیان محسوب می‌شود، ازدواج موقت بخشی از دین معرفی شده و هر کس که با آن مخالف باشد، "خارج از دین" توصیف شده است. در نتیجه همین نوع اختلاف‌هاست که پیروان مذهب‌های منشعب از اسلام هر کدام راه و روش خاص خود را در این زمینه دارند. در برخی کشورهای اسلامی ازدواج موقت قانونی نیست، در حالیکه در برخی دیگر راهکارهای قانونی برای آن وجود دارد.

تسهیل صیغه و چندهمسری در قوانین ایران

در ایران اما ازدواج موقت پس از تغییرهای بسیاری که طی سال‌ها در قوانین مرتبط با چندهمسری و صیغه، پیش آمد، قانونی شد. طبق قانون "حمایت از خانواده" که توسط مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۱ تصویب شد، افراد متقاضی می‌توانند صیغه را به ثبت برسانند و نیازی به اجازه‌ی همسر اول ندارند.

فعالان حقوق زنان همواره به این قانون اعتراض کرده‌اند.

تصویب لایحه مربوط به "حمایت از خانواده" در جمهوری اسلامی و تبدیل آن به قانون به تعبیر بسیاری از فعالان حقوق زنان "عقب‌گرد" محسوب می‌شود، زیرا طبق ماده ۱۶ قانون "حمایت از خانواده" که در سال ۱۳۴۶ تصویب شده بود، مردان برای ازدواج مجدد با شرط‌هایی مواجه بودند که راه را برای چندهمسری ایشان دشوار می‌کرد. با تصویب لایحه "حمایت از خانواده" در سال ۹۱ مانعی بر سر چندهمسری مردان وجود ندارد.

وضعیت کشورهای اسلامی دیگر

مسأله‌ی چندهمسری مردان و صیغه در کشورهای اسلامی از آسیای شرق تا خاورمیانه و از آسیای میانه تا شمال آفریقا مورد بحث و اختلاف است. فضای خاص حاکم بر کشورهای اسلامی، به خصوص در منطقه خاورمیانه، باعث شده که بحث و جدل‌های فراوانی در مورد ازدواج موقت شکل بگیرد. جنگ‌های مختلف و کاهش جمعیت مردان در کنار پدیده مهاجرت که در سی سال گذشته روند رو به افزایشی داشته از تاثیرگذارترین عوامل در این زمینه به حساب می‌آیند. این عوامل نقش مهمی در پذیرش این مسأله میان قشرهایی از جامعه داشته‌اند.

شماری از کشورهای شرق آسیا کشورهایی با اکثریت مسلمان هستند که چندهمسری میان آن‌ها رواج دارد. در برخی از این کشورها، مانند مالزی، آمار طلاق نیز به همان میزان بالاست. پروفیسور محمد عبدال راجی، استاد دانشگاه مالزی، در گفت‌وگو با دوپچه‌وله، ضمن اشاره به جمعیت بیشتر مردان در برابر زنان، تاکید می‌کند: «زنان تحصیل‌کرده‌ای که وابستگی مالی به همسران خود ندارند، از جمله مخالفان چندهمسری مردان هستند. آن‌ها ترجیح می‌دهند که مادران یا زنان تنها و مستقلی باشند. بیشتر زنانی که تحصیلات «ندارند یا پیشینه مذهبی دارند، چندهمسری و صیغه را برای همسران خود می‌پذیرند

طبق گفته‌های پروفیسور راجی ۲۰ درصد مردان در مالزی دو همسر، ۳ درصد سه همسر و نیم درصد نیز چهار همسر دارند: «اگرچه صیغه یا ازدواج بعدی در مالزی پروسه ویژه‌ای نیست، اما آن‌ها برای ازدواج مجدد نیاز به اجازه‌ی دادگاه و همسر اول خود «دارند. بسیاری از دوستان من دو همسر دارند و با مشکلی نیز مواجه نیستند. این مسأله قابل مدیریت است

در کشورهای عربی نیز می‌توان رواج چندهمسری را مشاهده کرد. غاده زنی مصری‌ست که همسرش چندین بار ازدواج کرده است. او در پاسخ به سوال دوپچه‌وله در باره‌ی چگونگی تعامل با همسران شوهرش می‌گوید: «مرد است. حق دارد. خدا گفته می‌تواند، پس «حتما می‌تواند دیگر

در کشورهای عربی میزان رواج این نوع ازدواج به حدی زیاد شده که نگرانی برخی مقام‌های دولتی این کشورها را برانگیخته است. وزارت دادگستری عربستان به تازگی اعلام کرد که آمار طلاق در این کشور به شکل بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است، به طوری که بر اساس اعلام وزارت دادگستری عربستان، ازدواج‌های موقت که روزانه در مقابل هر یک ازدواج، ۲۵ مورد طلاق ثبت می‌شود به سرعت به طلاق منجر می‌شوند، باعث افزایش این آمار شده‌اند.

طالبان و پذیرش چندهمسری در افغانستان

کشورهای مسلمان‌نشین آسیای میانه نیز چندهمسری و صیغه برای مردان را، با وجود اعتراض‌های فعالان حقوق بشر، به عنوان یک قانون یا عرف پذیرفته‌اند.

افغانستان یکی از آن کشورهاست که در پی سال‌ها حکومت طالبان، در آن چندهمسری به عنوان یکی از حقوق مردان چه در قانون و چه در عرف پذیرفته شده است.

آدلا یادگار، روزنامه‌نگار ساکن افغانستان، چندهمسری را یکی از نگرانی‌های عمده فعالان حقوق زنان در این کشور می‌داند و می‌گوید که این "مسئله‌ای است که نه قانون مدنی افغانستان و نه قوانین منع خشونت علیه زنان، نتوانستند نقطه‌ی پایانی بر آن بگذارند".

یادگار در گفت‌وگو با دویچه‌وله ضمن اشاره به قانون مدنی افغانستان در مجاز دانستن مردان به ازدواج مجدد می‌گوید: «قانون منع خشونت علیه زنان نیز برای مردانی که بدون داشتن شرایط ذکر شده در قانون مدنی ازدواج می‌کنند سه ماه حبس در نظر گرفته است. اما نه مردم به این قوانین ارجح می‌گذارند و نه قانون‌گذاران با متخلفان برخورد قانونی می‌کنند. هر هفته خیریه‌هایی از گوشه و کنار افغانستان منتشر می‌شود که حاکی از کشتن و زنده به گور کردن زنانی است که مخالف ازدواج دوباره همسرشان هستند، عده‌ای نیز که تاب اعتراض ندارند به کبریت و بنزین پناه می‌برند».

این روزنامه‌نگار "داشتن موقعیت و قدرت سیاسی"، "اقتصاد بالا"، "نداشتن فرزند پسر"، "رقابت‌های قومی" و "بیماری و ناتوانی جنسی زنان" را از مهم‌ترین دلایل چندهمسری در افغانستان می‌داند. او می‌گوید: «زورمندان و سیاسیون همواره مانعی بر سر راه از بین بردن این معضل بزرگ بودند. تعدادی از نهادهایی نیز که پرچم دفاع از حقوق زن را حمل می‌کنند بیشتر به فکر کسب شهرت و ثروت هستند تا برگزاری برنامه‌هایی مفید برای آگاهی‌دهی به مردان و زنان».



چندهمسری می‌تواند عادلانه باشد؟

"اگرچه در قرآن به عنوان کتاب مرجع مسلمانان آمده که شرط چندهمسری رعایت

عدالت"

میان زنان است، اما فعالان حقوق بشر تاکید می‌کنند که چندهمسری به هر حال با حقوق زنان مغایرت دارد. آنان همچنین به تأثیراتی اشاره می‌کنند که به گفته روانشناسان وجود "هوو" به طور معمول بر روحيات و روابط درون خانواده‌ها و نسل‌ها می‌گذارد.

سوال این‌جاست که آیا عمل به چنین آیه‌ای شدنی‌ست؟

حسن فرشتیان، دین‌پژوه ساکن پاریس، معتقد است که آیه‌ی ازدواج مجدد در قرآن در راستای "احقاق حقوق زنان" نازل شده بود اما "هر مسأله‌ای را باید در ظرف زمان و مکان خود سنجید

فرشتیان در گفت‌وگو با دویچه‌وله ضمن اشاره به این آیه می‌گوید: «در زمان پیامبر، چندهمسری مردان، بخشی از فرهنگ اعراب بود که گاهی تعداد همسرانشان به ده نفر نیز می‌رسید. اقدام شایسته‌ای که پیامبر انجام داد، به حقوق انسان‌ها کمک کرد؛ چرا که چند همسری بی‌در و پیکر را به چهار نفر محدود کرد و شرط سنگین رعایت عدالت میان همسران را نیز گذاشت. اما در ظرف زمانی امروز در حالی که تعدد زوجات می‌تواند جایز باشد، می‌تواند منع هم بشود چون با اصل دیگری در اسلام تحت عنوان "ستم نکردن به انسان‌ها" منافات دارد

ستم کردن به دیگران در اسلام ممنوع است. امروز کسی که همسر دارد اما در شرایط عادی و نه خاص - مانند عدم توانایی همسر در بارداری یا برخی دیگر از موقعیت‌های خاص، که گاهی خود زنان رضایت به ازدواج دوم مرد می‌دهند - به سراغ همسر دیگری «می‌رود، می‌توان گفت که مرد به زن ستم کرده است

فرشتیان اما در باره‌ی مواردی که به عنوان "استثنا" مطرح می‌کند چنین توضیح می‌دهد: «البته همین موارد ویژه نیز ممکن است در آینده غیرمجاز شناخته شود. به طور مثال امروز بحث رحم اجاره‌ای را داریم و همین زوج‌هایی که ما تعدد زوجات را برای آن‌ها «جایز می‌دانیم ممکن است در چند دهه آینده چنین چیزی را برای آن‌ها مجاز ندانیم. مهم این است که ستم نکنیم

این دین‌پژوه همچنین با اشاره به قانون "حمایت از خانواده" در ایران می‌گوید: «راه‌های مختلفی وجود دارد تا خانم‌ها بتوانند جلوی چندهمسری شوهرانشان را بگیرند. به طور مثال می‌توانند در شروط ضمن عقد به گونه‌ای غیر مستقیم جلوی چندهمسری شوهرشان را بگیرند یا تقاضای طلاق برابر کنند

این مسایل هم از نظر شرعی راهکار دارد و هم از نظر قانونی امکان‌پذیر است

متأسفانه بسیاری از خانم‌ها حق و حقوق خود را نمی‌دانند و بسیاری از آقایان هم تمایلی ندارند که خانم‌ها به حقوق خود آگاهی پیدا کنند. خانم‌ها نباید منتظر باشند تا آقایان حق و حقوق‌شان را به آن‌ها یاد بدهند. خانم‌ها باید آگاهانه‌تر و جدی‌تر مقابل این اقدام بایستند و «بر این مطالبات به حق خویش پافشاری کنند

اگرچه فعالان حقوق زنان و حقوق بشر در اکثر کشورهای اسلامی مخالفت خود را با این قانون و عرف ابراز کرده‌اند زنانی هستند که بخاطر فقر، باورهای مذهبی و ناآگاهی از حقوق خود پذیرای چندهمسری مردانشان می‌شوند